



۱۱

با محمد دلاوری، راوی «متولد اورشلیم» درباره این مستند حرف زده‌ایم

مستندی که این روزها حاشیه‌های زیادی ایجاد کرده است

وارد منطقه ممنوعه شدیم!

آیا دیو باتیستا می‌تواند قهرمان جدید فیلم‌های اکشن لقب بگیرد؟

یک جای کار می‌لنگد!

۱۲

«خروج»؛ فیلم جدید ابراهیم حاتمی‌کیا



۱۱

فرهنگ

پنجشنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۳۴



پشت صحنه

از تهران تا اورشلیم



يك روز گرم تابستانی، گرم کار هم باشی و همکار هم به مناسبت تولدش هندوانه شیرین بیاورد... فکرتش را بکنید که این روز مگر چیزی کم دارد؟ به قول مخاطب همیشگی روزنامه‌مان آقای جهانبخش باور بفرمایید نه! هیچ چیزی کم ندارد. البته تیر کلا تولد نیمی از اعضای گروه فرهنگی است و جایتان خالی از این خوشی‌ها کم نداشته ایم، اما این یکی دیگر در آستانه آمدن مردادماه داغ‌تر از تیر حسابی چسبید و جایتان هم خیلی خالی. برویم سراغ سوزّه‌های امروز که مثل همیشه داغ مثل آفتاب ظهر تیرماه از راه رسیده‌اند و برایتان روایت‌ها آورده‌اند از آنچه در عرصه فرهنگ و هنر این روزهای کشور می‌گذرد.



امروز صفحات ۹ و ۱۱ با هم در ارتباط مستقیم هستند. یعنی هر دو رفته‌اند سراغ يك موضوع که این روزها توجه بسیاری را به خود جلب کرده است؛ مستند «متولد اورشلیم». این مستند به کارگردانی حسین شهمدري ساخته شده و محمد دلاوری هم مجاری آن را روایت می‌کند. دلاوری در واقع در مقام راوی با پنج شخصیت یهودی گفت‌وگو می‌کند و نظر آنها را پیرامون هولوکاست، جشن پوریم، شکل‌گیری اسرائیل و... جویا می‌شود تا اطلاعات دقیق‌تری از این کشور ساختگی کسب کند. محمدصادق علیزاده، دبیر گروه‌مان این مستند را دیده و در همین صفحه نقد مفصلی درباره‌اش نوشته است. همچنین باران حیدری رفته سراغ دلاوری و با او درباره تجربه این مستند متفاوت حرف زده است. این مطلب هم در صفحه ۱۱ است و می‌توانید ببخوانیدش. البته ما پیشنهاد می‌کنیم ابتدا مستند را که برای دانلود روی چند سایت قرار داده شده، خریداری و تماشا کنید تا نقدهای علیزاده و روایت دلاوری را بهتر درک کنید.



و اما در صفحه ۱۰ امروز رفته‌ایم سراغ ماجرای که با گزارش ابتدا مستند را که ایجاد شده و توضیحات یکی از کارشناسان قوه قضاییه را درباره برخی حواشی پیش آمده و مطرح شده در رسانه‌ها منتشر کرده‌ایم. بالاخره ما هم یکی از همین رسانه‌ها بودیم و باید هم توضیحات تکمیلی را به گزارش قبلی‌مان می‌افزودیم تا هم حق مطلب را ادا کنیم و هم تمام آنچه را که باید، به شما ارائه کنیم.



کیکاووس زیاری امروز در صفحه ۱۲ زده به دل هالیوود و از گزارش جذابی درباره دیو باتیستا گرفته تا خبرهای تازه‌ای درباره مرد گرگ‌نما، مرد عنکبوتی و شرلوک هولمز را ۳ بارایتات تدارک دیده است. این صفحه می‌تواند برای اکشن‌بازها و علاقه‌مندان سینمای هیجانی جذاب باشد و ما هم خواندنش را به این دسته از افراد و البته همه مخاطبان خوبمان توصیه می‌کنیم. مگر می‌شود کسی سینما دوست نداشته باشد؟ آن هم سینمایی که یکی از روزنامه‌نگاران قدیمی و کارکنته این حوزه می‌رود سراغش و بهترین اتفاقاتش را شکار می‌کند.



یادداشت: محمد جواد توسلی فعال فرهنگی

ورود به گونه عاشقانه با #باهم-تاهمیشه

یکی از مسائلی که در سال‌های بعد از انقلاب همواره محل بحث و جدل میان اهالی هنر و اقدشار دیگر جامعه بود، کم و کیف ورود به عرصه موسیقی و چارچوب‌های موسیقی در نظام فرهنگی کشورمان بوده است. سال‌هاست به موسیقی و اثرگذاری آن در جامعه آن‌طور که باید بها و اولویت ندادند، ولی کم‌کم و با افزایش نفوذ رسانه‌ها در سطح جامعه، موسیقی به واقعیتی غیرقابل انکار تبدیل شد و حالا نقشی پررنگ‌تر و تاثیرگذارتر از همیشه دارد.

روزگار کنونی موسیقی ایران حاصل نگاه نادرست و مغفولانه به این مقوله مهم بوده است که باعث شده با هنری طرف باشیم که کمتر تناسبی با نظام فرهنگی جمهوری اسلامی دارد و شاید در موارد زیادی در برابر ارزش‌ها و اعتقادات دینی قدم‌علم می‌کند و حتی به تخریب کانون خانواده نیز می‌پردازد؛ ترانه‌هایی نظیر «من همیشه عشق دوم بودم» و از این قبیل که تاکنون زیاد در بازار موسیقی با آن مواجه شده‌اید.

پس موسیقی در دنیای امروز یکی از تاثیرگذارترین شقوق هنر است که با لایه‌های مختلف اجتماعی ارتباط جدی دارد و موسیقی عاشقانه نیز گونه‌ای از موسیقی است که تقریباً تمام طیف‌های مختلف جامعه را دربر می‌گیرد. با نگاهی به افزایش خواننده‌های پاپ و انتشار متعدد قطعات موسیقی با ملودی‌های ضعیف و اشعار سطحی عاشقانه در فضای کنونی موسیقی، خلل وجود خط تولید موسیقی عاشقانه را با اشعار فاخر و مضامین صحیح به وضوح حس می‌شود.

در این آشفته بازار موسیقی که حتی قشر کودک و نوجوان از آهنگ «ساسی مانکن» استفاده می‌کند و قشر جوان جامعه نیز با سبدي پراز عشق‌های شکست‌خورده، خیانت، روابط نامتعارف، سطحی و ناپایدار مواجه است، ضرورت پرداختن به تولید آثار فاخر با مضامین عشق‌های پایدار، ازدواج‌های موفق، نگاه متعهدانه به کانون خانواده و مساله مهم ازدواج بیش از پیش احساس می‌شود.

همین احساس نیاز قشر وسیعی از جامعه، موجب شد امروز شاهد توجه ویژه سازمان اوج به تولید عاشقانه‌های ایرانی - اسلامی باشیم، ژانری از موسیقی که تقریباً جزو کالای مصرفی تمام اقشار جامعه محسوب می‌شود. عاشقانه‌هایی که با اشعار پریمضمون و ملودی‌های شاد و جذاب قرار است در سید موسیقیایی خانواده‌هایی قرار گیرد که به موسیقی به عنوان هنری تاثیرگذار نگاه می‌کنند که می‌تواند حتی نقش مصلح اجتماعی را نیز بازی کند.

این جادوی موسیقی است که می‌تواند بر اجتماع و رفتار انسان‌های مختلف جامعه اثر بگذارد. البته مقصودمان اشعار و ملودی‌های کلیشه‌ای و ضعیف نیست.

ادامه در صفحه ۱۰

توضیحات کارشناس ارشد مرکز رسانه قوه قضاییه در ارتباط با گزارش جام‌جم

این تایپ که من می‌کنم افشردن جان است!



نقدی بر مستند «متولد اورشلیم» که به تازگی پخش شده است

متولد ناقص الخلقه اورشلیم



محمدصادق علیزاده

ادبیات و هنر

اسمش به اندازه کافی تحریک‌کننده هست که حس کنجکاوی هر ایرانی را قلقلک دهد: «متولد اورشلیم»! مستندی که محمد دلاوری به عنوان راوی رفته و با تعدادی از اسرائیلی‌ها در خارج از ایران به گفت‌وگو نشست و مشروح گفت‌وگو می‌آید دلاوری را در صفحه ۱۱ می‌توانید بخوانید. ما در این گفت‌وگو سعی کردیم سوالات و ابهامات و بعضی نقدها را مطرح کنیم و پاسخ دلاوری را به عنوان راوی و یکی از دست‌اندرکاران مستند بشنویم. همین شنیدن، مقدمه گفت‌وگوست فارغ از این‌که منطق موجود در پاسخ‌های دلاوری را بپذیریم یا نه. اینجا اما سعی داریم «متولد اورشلیم» را بگذاریم زیر میکروسکوپ و آن را بررسی کنیم. شاید این نگاه در کنار مصاحبه با راوی این مستند پرحاشیه بتواند بعد از دیدنش مخاطب را برای رسیدن به يك از زیایی دقیق‌تر راهنمایی کند.

قبل از هر چیزی اجازه بدهید نگاهی داشته باشیم به سابقه مرکز آرمان مدیا. مرکزی که در سال‌های اخیر نامش با بعضی از پروژه‌های حساس و ملتهب گره خورده. از مستند «انقلاب جنسی» بگیرد تا «حمزه» و مستندهای «میراث آبرتا». آرمان مدیایی‌ها در «انقلاب جنسی» سراغ اغتشاشات جنسی در جوامع اروپایی رفته و در ضمن این کار مقایسه‌هایی هم با جامعه خودمان داشتند. در «حمزه» که البته هنوز پخش نشده سراغ یکی از فعالان سیاسی

موسوم به جنبش سبز رفتند که بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ هم به عنوان متهم، دستگیر و بازداشت شده و در نهایت هم از ایران خارج شد و این روزها ساکن فرانسه است. «میراث آبرتا» هم روایتی از دانشجویان و نخبگان ایرانی بود که از ایران خارج شده و در دانشگاه‌های اروپایی مشغول تحصیل اند.



از مثبت تا منفی

همه این نکات مثبت اما مانع از آن نیست که سلسله کارهای این گروه جوان را عاری از نقد بدانیم. هرچند این مستند کوشیده با رفتن به دل ماجرا، روایتی از داخل چارچوب‌های جمهوری اسلامی به اسرائیل بیندازد و طرف‌گفت‌وگوهایش هم افرادی باشند که به نوعی سکونت در سرزمین‌های اشغالی را تجربه کرده‌اند. اما سوگمندانه باید اعتراف کرد که صرف هیجان زده شدن تیم تولید در برخورد با کسانی که تابعیت اسرائیلی دارند مانع از يك نگاه منظم و درست شده است. دوربین در مستند «متولد اورشلیم» با يك قاب کلوزآپ سراغ یهودیانی رفته که تابعیت اسرائیلی دارند حتی سابقه خدمت و سکونت در سرزمین‌های اشغالی.

نفس این موضوع برای هر فرد ایرانی می‌تواند مهیج و جذاب باشد. این‌که کسانی که حاکمیت شان

مشخص، استفاده‌ای از واقعیت‌هایی که در برخورد با اسرائیلی‌ها صید کرده؛ نمی‌کند. مستند انگار که صرفاً مجموعه‌ای بصری از از قطعات پراکنده زندگی يك سری انسان باشد که بدون منطق کنار یکدیگر چسبیده و می‌توانند مربوط به هر انسانی در هر نقطه‌ای از کره زمین باشند. مجموعه‌ای از گفت‌وگو و رفت و آمد با چند اسرائیلی و مهمان شدن در منزل آنها- اتفاقی که گویا عوامل تولید هم متوجه آن شده‌اند.

فقدان منطق روایی مشخص منجر به نوعی بازنامایی مثبت یا حداقل خنثی از حاکمیت صهیونیست‌ها شده. گریزهای سخت سیاسی که راوی گهگاه در گفت‌وگوهایش با بعضی اسرائیلی‌های ساکن آلمان می‌زند دقیقاً به دلیل همین موضوع است. گریزهایی که نه تنها از روایت مستند بیرون زده و مثل يك وصله نجسب به مستند اضافه شده‌اند، بلکه بیش از هر چیز، فقدان منطق روایی و به تبع آن، ضعیف و نحیف‌بودن فرآیند پژوهش را در مستند به رخ می‌کشد. گویی تیم تولید به یکباره پا درون زندگی شخصی اسرائیلی‌ها گذاشته و حالا انگار که جاخورده باشد که اینها هم مثل مسلمانان و مثل ایرانیان انسان هستند و زن و فرزند و خانمان دارند و جای می‌نوشند.

فریز شده در تاریخ

نکته مهم دیگر آنکه «متولد اورشلیم» نه تنها منطق روایی ندارد بلکه در گفت‌وگو و روایتی با اسرائیلی‌ها روی زمینی ایستاده که به اندازه کافی سفت نیست. منطق روایی البته موضوعی نیست که محدود به سوزّه فیلم آن است که ۷۰ سال قبل کاری انجام شده که «انسانی» نبوده و خیلی «کثیف» است. انگار که مساله اسرائیل و صهیونیسم از دید ایرانی‌ها يك مساله تاریخی متعلق به هفتاد سال قبل است. همین منطق هم باعث شده که راوی در واکنش به پاسخ یکی از سوزّه‌هایش حرفی برای گفتن نداشته باشد وقتی که روحانی یهودی از سابقه تشکیل ایالات متحده می‌گوید که روی خون سرخپوستان بنا شده و الان کسی از آن یاد نمی‌کند و پذیرفته شده.

در ادامه هم تأیید می‌کند دنیای فعلی دنیای زور است و چند سال دیگر کسی از اتفاق کثیف هفتاد سال قبل فلسطین یادی نخواهد کرد. ضعف پژوهش و فقدان منطق روایی البته موضوعی نیست که محدود به «متولد اورشلیم» باشد. آرمان مدیا در اثر قبلی خود در «انقلاب جنسی» هم با این آفت مبتلا بود. بگذریم از این‌که خودشان چندان این نقد را وارد نمی‌دانند و می‌خواهند با تمسک به استدلال‌هایی مانند این‌که ما قرار نیست جنایات رژیم صهیونیستی و امثالهم را نشان دهیم از زیر بار این نقدها بگریزند. [\[۱\]](#)

پازل درهم ریخته

«متولد اورشلیم» قرار بود يك روایت نرم از اسرائیلی‌ها باشد اما به دلیل نداشتن منطق و نقشه روایی